

## نئورئالیسم ایتالیا؛ دوربین زیر سقف آسمان



پس از پیدایش سینما، اروپایی‌ها نیز عمدتاً از این کشف تازه بسرعت استقبال کردند، سینمای ایتالیا؛ سینمای اتریش و سینمای آلمان پیشگامان هنر هفتم به حساب می‌آمدند و غول‌های بزرگی را هم در اختیار داشتند.

همشهری آنلاین-مهدی تهرانی: در اوایل دهه ۴۰؛ بیرون رفتن از استودیوهای بزرگ و قرار گرفتن زیر سقف آسمان! زمزمه‌هایی پیشرو در سینمای ایتالیا بود؛ که از سوی فیلمسازان خلاق این کشور به گوش می‌رسید.

پس از پیدایش سینما، اروپایی‌ها نیز عمدتاً از این کشف تازه بسرعت استقبال کردند، سینمای ایتالیا؛ سینمای اتریش و سینمای آلمان پیشگامان هنر هفتم به حساب می‌آمدند و غول‌های بزرگی را هم در اختیار داشتند.

در این زمان در حالی که سینمای آمریکا مرکز فیلمسازی جهان شده بود و حتی پیش از آغاز جنگ جهانی اول با کوچ سینماگران اروپایی به آمریکا، چنته اهالی سینما در قاره سبز تقریباً خالی مانده بود، ایتالیایی‌ها جزو اولین کشورهای اروپایی بودند که برای خود تاسیسات استودیویی فراهم آوردند.

پس از جنگ نیز و طی یک دوره شش هفت ساله خرابی‌ها به دستور موسولینی بسرعت ترمیم شدند و در حدود سال‌های 1928 ایتالیا چندین استودیوی مجهز به خود دید. آنچه که در این استودیوها ساخته و سپس اکران می‌گردید جدای محصولات خارجی، عمدتاً فیلم‌هایی مجلل و باشکوه از دوران روم قدیم بودند و عمدتاً هیچ‌گونه ربطی به زمان روز نداشتند.

با شروع جنگ جهانی دوم در 1938 و طی 3 سال اول جنگ، موسولینی از سینما به عنوان یکی از قدرتهای موثر در پیشبرد جنگ استفاده کرد و کارگردان‌های زیادی هم با او کار کردند. روندی که ادامه پیدا نکرد. از سال 1939 زمزمه‌هایی مبنی بر ساخت فیلم‌هایی خارج از استودیوهای بزرگ و بی‌در و پیکر به گوش می‌رسید، اما اعتنایی به آن نمی‌شد.

فاشیست‌ها در اوج قدرت بودند و در عمل ساخت و ساز بیرون از استودیو و بدون یارانه دولتی مفهومی نداشت تا این‌که لوکینو ویسکونتی فیلمساز اشراف‌زاده و 35 ساله ایتالیایی، فیلمی را ساخت به نام «وسوسه» که در سال 1942 اکران شد. فیلمی که خارج از تمام قوانین و عرف رایج در آن زمان بود و قصه‌ای داشت در ارتباط با زندگی روزمره و داستان در کوچه و خیابان‌های واقعی روی می‌داد بدون این‌که ذره‌ای در آن شکوه باسماهی وجود داشته باشد.

### درد دوچرخه

در واقع فیلم وسوسه یک ورسیون ایتالیایی بسیار خوش ساخت از داستان معروف «پستچی همیشه 2 بار زنگ می‌زند» بود (این رمان را جیمز کین نوشته است). وسوسه در محل‌های واقعی فیلمبرداری شده بود و به عبارتی آنقدر برای مردم زنده و تازه بود که حدی نمی‌توان برای آن در نظر گرفت.

دزد دوچرخه اثری است که سناریوی منحصر به فردش کار چزاره زاواتینی (1901 - 1989) بود. دزد دوچرخه به لحاظ ساختاری بسیار متفاوت از وسوسه بود. قصه زاواتینی هنوز که هنوز است یکی از زنده‌ترین و واقعی‌ترین داستان‌های سینمایی است. مردمی که در خلال جنگ و در اوضاع اسفبار اقتصادی و اجتماعی هر کاری می‌کنند تا روز به شب برسند و سفره خانواده‌شان حداقل همان 2 تا سیب‌زمینی برایش محفوظ باقی‌مانده باشد.

این را هم باید در نظر داشت که علی‌رغم استقبال بی‌نظیر از وسوسه و دزد دوچرخه در ایتالیا هنوز کسی از پیدایش جنبش سینمایی یا موج جدید سینمایی در ایتالیا خبری نداشت.

چرا که با توجه به شرایط جنگی آن روزگار فرصت چنین کاری فراهم نبود. بین سال‌های 1942 تا 1944 اگرچه فیلمسازان متعلق به جنبش نئورئالیسم سینما فیلم‌های دیگری هم ساختند؛ اما با فیلم «رم، شهر بی‌دفاع» (Rome Open City) در 1945

بود که نئورئالیسم ایتالیا جهانی شد. فیلمی که فدريكو فلينى سناريويش را نوشت و روبرتو روسليني کارگردانی‌اش را به عهده داشت.

رم، شهر بی‌دفاع در 27 سپتامبر 1945 به اکران سراسری رسید و این تاریخ اعلام تولد جهانی نئورئالیسم ایتالیا است و دقیقاً 25 روز پس از اتمام جنگ جهانی دوم (یک سپتامبر 1938 روزی است که به طور رسمی جنگ جهانی دوم آغاز شد و 2 سپتامبر 8 سال بعد در 1945 این جنگ رسماً پایان یافت)، در حالی که نئورئالیسم ایتالیا 3 ساله شده بود، تولد جهانی‌اش را جشن گرفت.

پس از این بود که رم، شهر بی‌دفاع و فدريكو فلينى و روبرتو روسليني به عنوان نماد این نوع سینما در جهان به شهرت دست یافتند و به فاصله چند هفته نام‌های معتبر دیگری که پیش از این در ایتالیا مشهور بودند، گرید بین‌المللی را به درستی و به حق به دست آوردند.

ویتوریو دسیکا و دزد دوچرخه‌اش که 3 سال پیش از اتمام جنگ جهانی دوم ساخته شده بود در سراسر گیتی به نمایش درآمدند و جهانیان با جنبش سینمایی واقع‌گرایی نو آشنا شدند و بدان بسیار پرداختند.

### رم شهر بی‌دفاع

از این پس نیز ساخته‌های دیگر نئورئالیسم مورد توجه قرار گرفت؛ آثاری که پس از سال 1945 و عمدتاً تا 3 سال پس از آن ساخته شد که فیلم‌هایی نظیر «آلمان، سال صفر» ساخته روبرتو روسلینی، «واکسی» اثر دسیکا از این جمله‌اند. یک اتفاق با مزه هم که در این خلال روی داد، همان داستان دوبله بود.

پیش از این و در استودیوهای عظیم چینه چیتا این کارانجام می‌شد و در روزهای اوج نئورئالیسم ایتالیا دوبله فیلم‌ها کمک شایانی به خوش ساختی فیلم می‌کرد.

اما سال 1949 سالی بود که این منش در 7 سالگی‌اش دارای مخاطرات عجیبی شد. آنچه در فیلم‌های این‌گونه سینمایی روایت می‌شد، تصاویری حقیقی از فساد و نکبت در زمان جنگ و پس از آن بود، بیکاری، فحشا، خیابان‌های فرسوده و ساختمان‌های خراب شده و همچنین نمایش چهره‌های تکیده و بشدت افسرده ایتالیایی، مقامات را نگران کرد که ذهن جهانیان با دیدن این آثار حتی وقتی 4 سال از اتمام جنگ گذشته است نسبت به ایتالیایی‌ها عوض خواهد شد و نسبت به ایتالیایی جماعت بدبینی فراوانی ایجاد خواهد شد.

این گونه بود که در سپتامبر 1949 به واسطه تصویب یک قانون! ترمز نئورئالیسم ایتالیا کشیده شد. براساس این قانون نمایش فقر و فحشا و بیکاری در فیلمی که سبب شود نگاه جهانیان به مردم ایتالیا، نگاهی بدبینانه باشد ممنوع شد. داستان اینجا به یک تراژدی ختم می‌شود که اصلاً بقای نئورئالیسم ایتالیا به واسطه ذات حقیقت گویش بود، نه چیز دیگر.

پس از این بود که تعدادی از کارگردان‌های بسیار قدر و سرشناس نئورئالیسم ایتالیا یا در سبک و سیاق دیگری فیلم ساختند یا این که کارشان را در کشور دیگری ادامه دادند و همین روند باعث شد در سال 1952 دیگر اثری از نئورئالیسم باقی نماند.

اما این پایان کار نبود. در بسیاری از کشورها فیلمسازان جوانی بودند که بشدت مجذوب نئورئالیسم ایتالیایی بودند. حتی فیلمسازانی که در دهه 50 متولد شده بودند بسته و بنابر موقعیت سیاسی و حتی استراتژیکی کشورشان سعی داشتند به نوعی واقع‌گرایی نوانگارانه را در سینمای کشورشان پیاده کنند. به هر حال اصلی‌ترین نماد در این نوع سینما، عدم وابستگی ساختاری به دکور گرم، تجملات میزانشن و بازیگری حرفه‌ای بود. موج نوي سينماي فرانسه و موج نوي سينماي ايرلند و حتي موج نوي سينماي برزيل در اين سالها بروز و ظهور يافتند.

### 55 سالگی موج نوي سينماي فرانسه؛ ظهور کارگردان؛ سقوط تهیه کننده

روایت صادق و صمیمی و بدون واسطه و پرهیز از هر چیزی که راستی را خدشه‌دار می‌کند به اضافه مقوله‌ای فنی ساخت و ساز مثل پرهیز از میزانشن تجملاتی و دکور و در و دیوار آنچنانی و نمایش آنچه واقعاً هست انگاره‌هایی بودند که در تمام دوران طلایی نئورئالیسم ایتالیا جلوه‌گری داشتند.